

**کاهش یک درصدی ثبت نام تجربی ها**

ایسنا|مدیر کل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب های اجتماعی ضمن اعلام باز تولید و نهایی شدن اطلس شغلی دانش آموزان در راستای هدایت تحصیلی، از کاهش یک درصدی ثبت نام در رشته علوم تجربی خبر داد. مسعود شکوهی در پاسخ به این پرسش که با توجه به اتمام فرآیند هدایت تحصیلی، روند توزیع متوازن میان شاخه ها و رشته های تحصیلی چگونه پیش رفت و آیا شاهد کاهش ورود به رشته تجربی بودیم، اظهار کرد: «نسبت به سال تحصیلی گذشته، یک درصد کاهش ثبت نام در رشته علوم تجربی داشتیم.» وی افزود: «در شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش نیز تقریباً مشابه سال گذشته ثبت نام انجام شد.»



**گزارش «شهروند» از آغوش تازه باز شده تهران برای کودکان؛ به بهانه برگزاری مسابقه نقاشی «شهری که من دوست دارم» در خیابان های تهران**

**تهران به قلم کودکان**

شورای شهر به شهرداری تهران و اداره کل آموزش های شهرداری ابلاغ کرده تا تهران برای کودکان مناسب سازی شود و در ادامه به مجموعه شهر های دوستدار کودک ملحق شود



لیلا مهداد ابرج میلاد، میدان آزادی، پارک آب و آتش، بام تهران و حتی عمارت نیاوران این بار در قاف کودکان نشستند و بر سازه های سطح شهر می توان آنها را دید. قاف هایی که سعی دارند شهر روایی کودکان را به تصویر بکشند تا شاید بهانه ای باشد برای رفتن به سمت شهر دوستدار کودک. شهری با فضای بازی و بچگی کردن، برای خاطره سازی از کودکی. کودکانی که به گواه آمارها ۲۴ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند؛ یعنی هجده و نیم میلیون نفر که بیشتر شان ساکن کلانشهرها هستند و ۲۴ متولی امور آنها را به عهده گرفته اند اما با این وجود نه تنها شهرها جای مناسبی برای زیستن کودکان نیستند بلکه کودکان آسیب دیده، کودکان کار، کودکان حاشیه نشین و... سهمی از این کلانشهر ندارند و در بیشتر مواقع به حاشیه رانده شده اند. شهر دوستدار کودک، موضوعی است جهانی و جوامع به فراخورشان در احیای آن تلاش می کنند و ایران هم با امضای تفاهنامه ای در این مسیر گام های اولیه را برداشته و سعی دارد با پایلوتی اجرایی کردن این طرح در شهرها و بعضی مناطق تهران در آینده شهر دوستدار کودک داشته باشد. به همین دلیل هم حالا شهرداری مسابقه نقاشی و آتشی به موضوعیت «شهری که من دوست دارم» برگزار کرده تا با بررسی نقاشی ها تصویری از شهر دوستدار کودک را متصور شود.



شهرهای دوستدار کودک شناخته می شوند که ۳۰ میلیون کودک را در ۴۰ کشور در برمی گیرد، البته سابقه اجرایی شدن شهر دوستدار کودک در ایران به سال ۱۳۸۹ برمی گردد؛ زمانی که «شهر اوز» در استان فارس برای نخستین بار به عنوان شهر دوستدار کودک انتخاب شد. بعد از آن و در سال گذشته «ویل پارکس» نماینده یونیسکف در ایران در مورد اصفهان گفت: «شهر اصفهان با توجه به فعالیت های ارزشمندی که در زمینه کودکان داشته، به زودی به عنوان شهر دوستدار کودک شناخته می شود.» البته شیراز هم رویای پیوستن به شهرهای

**پایتخت در مسیر شهر دوستدار کودک**

شهر دوستدار کودک رویایی است که از سال ۱۹۸۰ میلادی تحقیقات درباره آن شکل گرفت تا در نهایت شهرها حقوق شهروندی کودکان را رعایت کنند و به خواسته ها و نیازهای آنها توجه نشان دهند. «معاهده حقوق کودک» به همین دلیل امضا شد تا دولت ها و ملت ها را به ساختن دنیایی بهتر برای کودکان تشویق کند. بعدها در سال ۲۰۰۷ شهر «بندیگو» استرالیا عنوان شهر دوستدار کودک را از طرف یونیسکف به خود اختصاص داد، البته این طرح در آسیا و خاورمیانه قدمت زیادی ندارد و ایران هم از سال گذشته با انعقاد تفاهنامه میان وزارت کشور و یونیسکف «صندوق اضطراری بین المللی کودکان سازمان ملل متحد» این طرح را شروع کرده و قرار است بعد از اجرایی کردن پایلوتی آن، در چند شهر با تأیید یونیسکف دوشهر به عنوان شهرهای دوستدار کودک در ایران انتخاب شوند.

حالا مجتبی دانشور، مدیر کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران در گفت و گو با «شهروند» از مصوبه ای می گوید که شورای شهر به شهرداری تهران و اداره کل آموزش های شهرداری ابلاغ کرده تا در پی آن شهر برای کودکان مناسب سازی شود و در ادامه تهران به مجموعه شهرهای دوستدار کودک ملحق شود. شهری که در مناسب سازی آن نظر و ایده کودکان در نظر گرفته شود. «مسابقه نقاشی «شهری که من دوست دارم» بهانه ای شد برای همین نظرخواهی. مسابقه ای که از تیرماه فراخوان داده شد و از آن کودکان ۱۴ تا ۱۴ ساله خواسته شد شهری را که دوست دارند، به شکل نقاشی به تصویر بکشند. این مسابقه در ۱۱ گروه داری شد. دانشور از ۹ هزار و ۴۰۰ نقاشی ای می گوید که به دبیرخانه رسیده و از این تعداد ۱۴۰ اثر به نمایشگاه راه یافته؛ نمایشگاهی در مجموعه فرهنگی صبا. «این نمایشگاه از ۱۳ مهرماه به مدت یک هفته دایر است، البته به بهانه همزمانی این نمایشگاه با هفته تهران و کودک در بیش از ۲۰۰ سازه شهری نقاشی کودکان به نمایش گذاشته شده تا نمایشگاه شهری هم داشته باشیم.» نقاشی های با مضمون «شهری که من دوست دارم»، قرار است مبنای رفتن تهران به سمت دوسوی شهر دوستدار کودک باشند. بدون القای هیچ نمادی بر گزار شده و هدف این بوده که تنوع نگاه کودکان به شهری که دوستدارش هستند، مشخص شود. مدیر کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران در این باره می گوید: «در نقاشی هایی که کودکان کشیده اند، تمام نمادهای تهران را می توان دید؛ از میدان فردوسی و ساختمان تئاتر شهر تا برج میلاد یا برج آزادی که بیشترین فراوانی را داشته اند. در این نقاشی ها عمارت نیاوران، پارک آب و آتش، پارک دانشجو، پل طبیعت و بام تهران دیده می شود. واقعیت این است که کودکان نمادهای مختلفی از شهر را به تصویر کشیده اند.» دانشور بر این باور است که اجرای مسابقاتی از این دست به تنهایی نمی تواند شهرها را به شهری دوستدار کودک تبدیل کند: «برگزاری مسابقه به نذات چنین کاری آبرویی ندارد اما اطلاعاتی که در اختیار ما می گذارد، این امکان را به ما می دهد که ۹ هزار و ۴۰۰ نقاشی در حقیقت شهری را به تصویر کشیده اند که کودکان دوست دارند و می شود با انجام کار تحقیقی روی آنها مشخص کرد شهر دوستدار کودک باید چه نمادها و فاکتورهایی داشته باشد. شهرداری در ادامه، کار مطالعاتی را روی این نقاشی ها خواهد داشت تا در ابعاد کوچک تر فاکتورهای این شهر مشخص شود.»

۲۳ سال پیش ایده شهر دوستدار کودک با هدف رشد کودکان در شهرهای امن توسط یونیسکف آغاز شد؛ طریقی که در دست اجرایی شدن آن باعث می شود کودکان در فرآیندهای شهری نقش های مهمی ایفا کنند. بعد از آن، زمزمه های گفتن از این طرح در ایران هم شنیده شد تا کودکان ایرانی بتوانند با کودکان سایر نقاط جهان ارتباط داشته باشند، چون شهر دوستدار کودک راه دیگری برای ارتباط جهانی است. مدیر کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران، مسابقه نقاشی با محوریت شهری را اولین تجربه می داند و می گوید: «این مسابقه برای اولین بار است که توسط شهرداری تهران برگزار می شود، البته مسابقات نقاشی ای دانشتیم اما با محوریت شهری نبوده اند. شهرداری در راستای اهدافی که در نظر دارد، مسابقه انشائویی را با همکاری آموزش و پرورش برگزار کرده. مسابقه ای با محوریت شهری که قرار است مقطع نیم سال دوم ابتدایی انشایی در مورد شهری که دوست دارند بنویسند، بی شک در این انشاهای ابعاد دیگری از این شهر به تصویر کشیده خواهد شد. در آینده با همکاری شهرداری های شهرهای دیگری می توان طرح هایی از این دست را اجرایی کرد.»

در حال حاضر بیش از ۳ هزار شهر در جهان به عنوان

هماهنگی هایی باید با یونیسکف صورت بگیرد، تا مراحل الحاق این سه منطقه به مناطق دوستدار کودک پیش بروند. وقتی این اتفاق بیفتد، ما کار را ادامه خواهیم داد.»

**دیروز هم دیر بود، امروز جای خود**

چرخ های کوچک همچون چرخ کالسکه، چرخ دوچرخه، چرخ ویلچر، چرخ زنبیل خرید یا چرخ چمدان به راحتی در معابر و پیاده رویا شهر نمی چرخند. حتی یک پیاده روی استاندارد برای استفاده مادران و پدران وجود ندارد و آنها نمی توانند کودک خردسال خود را به راحتی در مسافت های معمول در شهر حرکت دهند. نیربه توکلی، جامعه شناس در گفت و گو با «شهروند» می گوید: «شهرهای ما شهروندمحور نیستند و زنان و کودکان در کنار سالمندان و معلولان نادیده گرفته شده اند. متأسفانه در معماری شهرهایمان شهروندان اولویت نیستند، البته شهری مانند اصفهان توانسته با حفظ معماری سنتی و بافت شهری به نسبت شهرهای دیگر شهروندان را در اولویت قرار دهد، موضوعی که در سایر شهرها کمتر شاهد آن هستیم.»

توکی پیچیدن صدای کودکان در حال بازی در کوچه ها را متعلق به سال های بسیار دور می داند و می گوید: «شهرهای ما برج محور و ماشین محور هستند و شهر به قلمروی سسوارها درآمده است، برای همین کودکان مان از عبور و مرور ایمن محروم شده اند. برای این که برجها قد بکشند و آتوبان ها ساخته شوند، بوستان زادی را داشته ایم و در حال حاضر کودکان مان در شهرهایی زندگی می کنند که فضای سبزشان تناسبی با سرانه جمعیتی شان ندارد، تخریب محیط زیست هم در جای خود مباحث مفصلی دارد که چه برای کودکان و چه بزرگسالان مشکلات عدیده ای به وجود آورده و در آینده نیز شاهد مشکلات بیشتری خواهیم بود.» این جامعه شناس معتقد است حقوق شهروندی کودکان در شهرها نادیده گرفته می شود. «کودکان مان چه آنهایی که در کالسکه اند، چه آنها که در رحم مادران شان هستند و چه دانش آموزان، اسیر خودروها هستند، تا جایی که مادر فضای شهر، کودکان را نمی بینیم و می توان گفت ما کودکان را از شهرها حذف کرده ایم. امروز دیگر حتی خبری از دانش آموزانی که سر ساعت مشخص در خیابان ها و کوچه ها دیده می شدند، نیست و انبوه خودروها جلوی مدارس جای آن هیاهوی کودکی را گرفته است.»

شهر دوستدار کودک، مبحثی است که مورد توجه جوامع قرار گرفته و تنها رسیدن به آن اولویت دادن به کودکان و خواسته های شان است؛ شهری که شرایط اجتماعی، فرهنگی و معماری اش همسو با نیاز کودکان باشد و بتوان آنها را در سیاست ها، قوانین، برنامه ها و بودجه ها دید. در واقع شهر دوستدار کودک، مکانی است که کودکان در آن احساس امنیت و آرامش می کنند و قادرند به کاوش و یادگیری در مورد فضاهای پیرامون خود بپردازند. یک شهر دوستدار کودک، یک شهر دوستدار مردم هم هست. توکلی بر این باور است که برای رفتن به سوی شهرهای دوستدار کودک

دیروز دیر بوده و چه رسد به امروز و در این باره می گوید: «شهرها باید برای تمام افرادی که حضور فیزیکی دارند و می خواهند بدون خودرو تردد کنند، زیرساخت هایی را فراهم آورد، این در حالی است که ما این فقدان را شاهدیم. کودکان امروز ورزش و بازی کردن را به سبک و سباق گذشته ندارند، این در حالی است که حقوق شان در شهرها با احتی نادیده گرفته می شود. متأسفانه ما در شهرها ناخواسته و با عنعنماد یاد می دهیم حق و حقوقی برایشان قابل نیستیم و این یعنی آنها در آینده و بزرگسالی شاید متوجه حقوق خود و دیگران نباشند. کودکان به خاطر قد کوتاه تر و ریه های کوچکتر بزرگترین قربانیان آگروها هستند و برای رهایی از تمام اینها باید به سوی شهرهای شهروندمحور برویم و در طراحی شهرهایمان جایی برای ساخت وسازهای بی رویه و آتوبان ها قابل نشویم و سهم بیشتری از شهرها را به شهروندان بدهیم.» این جامعه شناس، فعالان اجتماعی و شهروندان را هم در این موضوع سهیم می داند و ادامه می دهد: «در همه دنیا فعالان مدنی، دانش آموزان و شهروندان دغدغه زیست بهتر دارند، اما در ایران این دغدغه و فعالیت ضعیف است و به میزانی که مردم دغدغه اقتصادی دارند، به مسائلی از این دست نمی پردازند، البته آگاهی در این زمینه هم پایین است و این آگاهی وجود ندارد که نیاز اساسی بشر امروزی برای زیست، محیط زیست است که به نحای مختلف تهدید می شود و در بیشتر مواقع از بین می رود، به همین منظور در کنار مسئولان و متولیان امر، شهروندان هم باید دغدغه شهری قابل زیست را داشته باشند.»

**کارهای مناسبی برای دلخوشی خودمان**

می کنند و گیرنده های قوی ای هستند. فراموش نکنیم کودکان با توضیحات و نصیحت های شفاهی ما تربیت نمی شوند و ما از دریافت های کودکان مان بی خبریم؛ دریافت هایی که هر روز در گوشه و کنار این شهر به راحتی در معرض دید کودکان هستند. این که طرح ها و برنامه هایی برای رفتن به سمت دوسوی شهر دوستدار کودک اجرایی می شوند، پسندیده است، اما این سوال را مطرح کنیم که تمام کارهای مقطعی و مناسبی که تا به امروز انجام داده ایم، تاثیری داشته اند؟ به شخصه حس می کنم این کارها را برای دلخوشی خودمان انجام می دهیم تا دلخوش به این باشیم که برای کودکان کاری انجام داده ایم. آیا نقاشی کودکان روانکاوی می شود؟ قرار است این نقاشی ها چه تاثیری بر بهبود زندگی شهری کودکان بگذارد؟ باید قبول کرد این شهر، دوستدار کودک نیست، چون فضاهای شادی اش در یک سری فضاهای محدود و لاکچری خلاصه شده که تنها گروهی از آنها می توانند استفاده کنند. این شهر نیاز به فضای کافی برای شادی دارد، البته بدون محدودیت.

**افخم صباغ، مدیر عامل موسسه مهروماه |** در گام نخست گفتن از کودکان و پرداختن به مسائل آنها باید کودک را عام دید؛ کودک یعنی کودک ناتوان، کودک آسیب دیده، کودک حاشیه نشین، کودک معلول، کودک کار و کودکی که زندگی مناسبی دارد. برای گفتن از شهر دوستدار کودک باید همه این کودکان را در نظر گرفت، این در حالی است که ابعاد مختلفی وجود دارند که به راحتی نمی توان از کنار آنها گذشت. آیا شهرهای ما از نظر کالبد شهری، بافت و داشتن زیرساخت های مورد نیاز برای کودک، مناسب برای کودکان هستند؟ جای فضای شادی کودکان برای کودکی کردن کجای برنامه ریزی های شهری است؟ واقعیت امر این است که شهرهای ما دوستدار کودک نیستند، چون پر شده اند از شعارهای تندتیزی که اصلا مناسب کودکان نیستند، شهری که به وضوح فاصله طبقاتی در آن مشهود است و رفت و آمد برای کودکان سخت. در واقع همه اینها نشان از شرایط اقتصادی، اجتماعی، شهری و روانی شهرمان دارد و ما از این مسئله غافلیم که کودکان بسیار باهوش اند، همه چیز را رصد